

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آندریوف کوریبکو - Andrew Korybko
برگردان از: حمید محوی
۱۰ دسمبر ۲۰۱۹



جنگ ترکیبی:

۴ - در هارتلند بزرگ (۲)



در آنچه تکوین سرنوشت اجتناب ناپذیر جهان چندقطبی به نظر می رسد، هر چند ظرفیت هارتلند بزرگ نوید بخش باشد ولی در عین حال این روند می تواند با خطر نفوذ دسیسه های ماهرانه در آسیب پذیرهای اجتماعی و سیاسی از نوع بالکانی در اورآسیا دچار توقف شود.

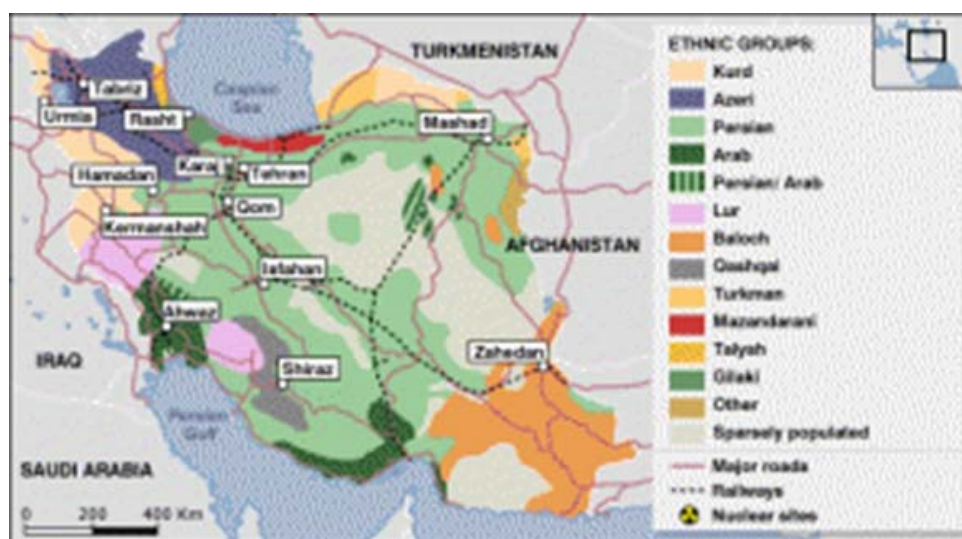
بالکانهای اورآسیایی

برای سهولت دسترسی خوانندگان و اشراف به موضوع این نوشته، باید از نخستین نظریه ای یاد کنیم که زیباییگنیف برژینسکی مطرح کرده و به گستره مجموعه سرزمینهای ارجاع می دهد که از افریقای شمالی شروع می شود و تا آسیای مرکزی ادامه می یابد. این سرزمینها به شکل خطرناکی در تهدید تجزیه در سطح گسترده قرار دارد و با خطوط مرزی از نوع هویت قومی، مذهبی، تاریخی و مانند اینها مشخص می شود، همانگونه که در سطح بسیار بزرگتری تفاوتی جمعیت شناختی در جنگهای بالکانی و برادرکشی در آغاز سالهای ۱۹۹۰ منعکس شده است. این تفاوتی هویتی موجود هرگز نقش مهمی در امور داخلی یا منطقه ئی نداشت، ولی این وضعیت تا وقتی پا برجا بود که ایالات متحده آمریکا هنوز شروع به آزمون و دستکاری [این تفاوتها] در میانه سالهای ۲۰۰۰ نکرده بود که تا

امروز ادامه یافته و حاصل این کار اجتماعی سیاسی تا کنون به ایجاد رقابت شیعه و سنی انجامیده است. با توجه به این امر که ایالات متحده با فعال کردن منازعاتی که تا حدودی در فرقه های مختلف اسلامی به قدمت هزار ساله به شکل خفته وجود داشت به موفقیت های بزرگی دست یافت (که تا اینجا غالباً به شکل صلح جویانه مطرح می شد)، بعید نیست که این [آزمون سرشار از پیروزی] بتواند با فعال سازی منازعات هویتی ولی با وسعت کمتر و به مناسبت های اخیرتر به نتیجه مشابهی دست یابد، در پی آمده به شکل مختصر (ولی نه جامع) این طرح های بی ثبات ساز را در مورد ایران، پاکستان و افغانستان مورد بررسی قرار خواهیم داد.

ایران

کشور ایران در ادامه تمدن پارسی باستان گروه های هویتی مختلفی را در خود جای داده که عبارتند از آذری، کُرد و بلوچ [2]. برای اغلب آنان، بین قومیت های متفاوت میهن دوستی تمدنی [3] مشترکی ابراز می شود، و علیه امریکا دشمن خارجی طی دهه ها موضع صریحی داشته اند و یکپارچگی اتحاد جمعی [4] وسیعی را حفظ کرده اند، ولی تمایلات کنونی احتمال بروز ضعف در این همزیستی تمدنی را نشان می دهد. ابتداء، بالاگرفتن ناسیونالیسم آذری که اگر کنترل نشود، می تواند حرکت جدائی طلبانه ای را برای مقامات ایرانی به وجود بیاورد. در واقع، این گروهی که % ۲۵ جمعیت ایران را تشکیل می دهند بر اساس برخی محاسبات بیشتر در مرکز اقتصاد شمال غربی کشور تمرکز یافته اند. علاوه بر این، اقلیت کُرد که در مجاورت همین منطقه (آذربایجان) زندگی می کنند و طول استان کردستان معادل نیمی از مرز ایران با عراق را در بر می گیرد. می دانیم کُردها در دهه گذشته تا چه اندازه ناسیونالیست بودند و با جنگ علیه دولت اسلامی در عراق و سوریه این ناسیونالیسم دائماً تقویت شده است. قابل پیشبینی ست که این گروه قومی فراملی نقش پر نفوذتر و مستقل تری در امور منطقه به عهده بگیرد. در مبارزه پیرامون جنگ سرد نوین بین جهان تک قطبی و چند قطبی، به دست آوردن وفاداری کُردها برای امنیت آینده ایران اکیداً یک امر اساسی ست زیرا اگر این گروه پر نفوذ به سمت ایالات متحده گرایش پیدا کند و در مقابل رقبای آن موضع بگیرد، می تواند به سرباز نیابتی امریکا تبدیل شود و برای بی ثبات سازی ایران مورد استفاده قرار گیرد. در این صورت کُردها فعالانه برای دست یابی به کردستان فراملی طرفدار امریکا تلاش خواهند کرد.



نقشه قومی ایران. منبع: دانشگاه هاروارد

یکی دیگر از عواملی که باید برای درک آسیب پذیری جنگ ترکیبی علیه ایران در نظر بگیریم، بلوچ [5] هائی هستند که در منطقه کم جمعیت ولی از دیدگاه جغرافیائی استان وسیعی را در بر می گیرد که در شرق کشور واقع شده است. بسیاری از بلوچ ها در عین حال در منطقه جغرافیائی بزرگتری در پاکستان زندگی می کنند، در افغانستان نیز یک اقلیت بلوچ وجود دارد. طی سالهای گذشته، شمار بسیاری از سازمانهای مبارز [6] سعی کردند در پاکستان به شورشهای چریکی دست بزنند (که در بخش بعدی با توضیحات بیشتری بدان خواهیم پرداخت)، در این حرکت خطر گسترش آن به استان بلوچستان ایران نیز وجود دارد و با برهم خوردن تعادل رهبریت را به خارج از مرز کشور منتقل می کنند. هندی ها به شکل معنی داری در بندر چابهار سرمایه گذاری کرده اند که یکی از مهمترین گره های دالان شمال - جنوب می باشد که در استان سیستان و بلوچستان واقع شده است، و زیر بناهای راه آهن مشترک می تواند به شکل پیشبینی پذیری در معرض خطر منازعاتی قرار گیرد که تا کنون در پاکستان جاری بوده و از این پس می تواند به سوی غرب سرازیر شود.

آخرین سناریوی مهم که در آن جنگ ترکیبی می تواند در ایران ریشه بدواند به واسطه رقابت دائمی میانه روها و محافظه کاران است که در مراتب بالا در هدایت کشور به وقوع می پیوندد. برای خلاصه کردن این موضوع می توانیم بگوئیم که روحانی نمایندگی میانه روها را به عهده دارد که به طور مشخص می توانیم او را غربگرا بدانیم، در حالی که محافظه کاران (یا اصولگرایان) از سوی آیت الله و سپاه پاسداران انقلاب ایرانی نمایندگی می شود که بیشتر به میهن دوستان و ناسیونالیستهای ایرانی نزدیک هستند.

توافق هسته ئی ایران روی گسترش شکاف بین هر دو بنیانگذاری شده بود، و ایالات متحده با تهدید ضمنی انقلاب سبز در سال ۲۰۰۹ امیدوار بود که انطباق با توافقات را تضمین کند. در ماههای پس از آن، با وجود این، میهن دوستان به صحنه بازگشتند [7] تا نقش غالب خود را در امور ملی نشان دهند، همانگونه که در همکاریهای ایران با روسیه می بینیم، به علاوه ائتلاف آنها در مبارزه ضد داعش (که از دیدگاه نمادینه در متن جنگ سرد نوین از اهمیت خاصی برخوردار است)، آیت الله خامنه ای فرمانی صادر کرد که بر اساس آن ادامه مذاکره ها را با ایالات متحده ممنوع دانسته و پیشگیریهای امنیتی را نیز علیه عناصر متخاصم برآمده از پیش شرطهای اجتماعی [8] را تشریح کرده بود. این حرکت موجب واکنش انتقادی روحانی شد [9]، بی آن که تمایلات مخفی طرفدارانه اش از غرب را نشان دهد که در واقع نمایندگی آن را به عهده دارد، ولی حاکی از این امر است که تا چه اندازه روی توانائی های او و جبهه اش برای نفوذ در آینده تأثیر گذاشته است.

نقشه مناطق قبیله نی در دولت فدرال



پاکستان

با مراجعه به آنچه پیش از این مطرح کردیم، پاکستان با یک مشکل جدی در عرصه حفظ ثبات در استان بلوچستان با منابع طبیعی سرشار [10] روبه روست. بندر گوادر به ویژه از دیدگاه جغرافیای اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا پایانه جنوبی دالان اقتصادی چین و پاکستان در همین منطقه واقع شده است، به این معنا که بی ثباتی در اینجا در عین حال می تواند روی طرح های مشترک فراملی چین و به همین نسبت برادر دوقلویش در استان سیستان بلوچستان ایران می تواند روی طرح های مشترک فراملی هند تأثیر بگذارد.

ولی به این علت که چین موتور واقعی تحولات چند قطبی در سراسر جهان است، و هند از این دیدگاه کم رنگ تر به نظر می رسد (با وجود این که عضو بریکس BRICS و سازمان همکاریهای شانگهای OCS می باشد و مناسبات ویژه ای با روسیه دارد)، قابل پیشبینی ست که برای ایالات متحده تحریک بی ثبات سازی بلوچستان در پاکستان اولویت بیشتری نسبت به بلوچستان ایران خواهد داشت، دست کم در نخستین مراحل.

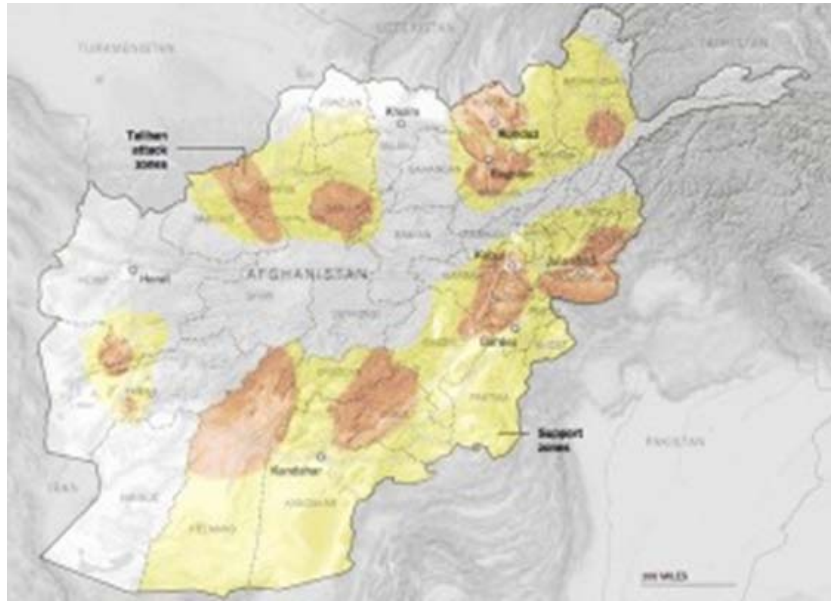
خلاف ایران که با شورشهای ملی روبه رو نیست (هنوز نیست)، پاکستان طعمه حرکات قبیله ئی فراملی شده که بین مناطق قبیله ئی تحت نظارت فدرال (مناطق قبیله ئی فدرال FATA) [11] در شمال و افغانستان در نتیجه پاکستان در مقابله با جنب و جوش خصمانه بلوچها در صورتی که مجبور باشد در این مرحله بحرانی به حرکات تروریستی نیز پاسخ بگوید در وضعیت نامساعدی قرار خواهد گرفت. این موضوع درجه ستراتیژیک جالب توجهی را برای ایالات متحده آمریکا در صورتی که خواهان چنین گزینشی باشد باز خواهد کرد، و به این معنا که احتمال بروز چنین وضعیتی افزایش خواهد یافت. به همین گونه، و چنان که در بررسی وضعیت افغانستان خواهیم دید، به این معنا نیز می باشد که همه تلاشهای ایالات متحده آمریکا برای هدایت طالبان، دولت اسلامی در عراق و سوریه (داعش)، و هر جنگ ترکیبی در آینده به واسطه آنان، یا هر گونه عنصر جدید تروریستی پیرامون مرز پاکستان می تواند برای اسلام آباد به سرعت به ایجاد سناریوی بحران بینجامد، و موجب کاهش توجه به بلوچستان در این دوران بحرانی شود، که به سهم خود می تواند سناریوی ستراتیژیک دیگری برای شورش قومی مهیا کند.

برای تکمیل امکانات جنگ ترکیبی در پاکستان، ظرفیتی برای انقلاب رنگی وجود دارد که از آخرین فن آوریهای سیاسی [12] گسترش یافته در ارمنستان، لبنان و مالزی الهام گرفته شده است. این موضوع در اصل در مقاله ای که نویسنده [13] برای انستیتیوی روسیه برای بررسی های ستراتیژیک نوشته توضیح داده شده است، این شکل از اغتشاش (در آمیزش با شعارهای ضد بزهکاری) از طریق جامعه مدنی سست پایه و غیر سیاسی سطحی هدایت می شود. این نوع آوری ساختاری به رهبران کودتا اجازه می دهد که زیربنای اجتماعی خودشان را در گذر رویدادها خیلی بهتر و مؤثرتر تنظیم کنند (رهبریت، اعضا، شعارها و مانند اینها)، زیرا اگر راهکار نسبتاً خدشه ناپذیر پیشبینان را در سازماندهی رویدادها پیرامون احزاب سیاسی را که هویت چهره های آن آشکار و روشن می باشد (که باحتی به مخاطره می افتند) در پیش بگیرند به چنین نتیجه ای نخواهند رسید. تظاهرات گسترده [14] علیه نواز شریف در اگست ۲۰۱۴، نشان می دهد که یک پایگاه اجتماعی سیاسی علیه دولت برای بسیج بیشترین فعالان وجود دارد و قابل تصور است که این سناریو تمدید شود و علیه او و یا جانشینانش در آینده به کار برده شود در حالی که دالان اقتصادی چین و پاکستان بیش از پیش شکل عینی به خود می گیرد.

افغانستان

بزرگترین تهدید جنگ ترکیبی در افغانستان تروریسم وابسته به دولت اسلامی به هدایت طالبان و دولت اسلامی در عراق و سوریه (داعش) است که هر دو در کشور جا باز کرده اند. ملل متحد در اکتوبر ۲۰۱۵ اعلام کرد [15] که فتوحات طالب ها از دوران سرنگونی شان در سال ۲۰۰۱ هرگز تا این اندازه گسترده نبوده و گزارشات دیگری تأیید می کند که دولت اسلامی در عراق و سوریه (داعش) در کشور نفوذ کرده است. با وجود این، مناسبات بین دو گروه تروریست روشن نیست، و بیم آن می رود که اختلافات بین رهبران طالبان [16] بتواند به ضعف قابل بهره برداری [17] برای داعش بینجامد و به این ترتیب همانگونه که با القاعده در خاورمیانه عمل کرد از رقبای خود پیشی بگیرد و سرزمینهای مناسبی را برای حکومت تصرف کرده و از آنجا شبکه فعالیتهاشان را برای اعلام خلافت

گسترش دهند. بر حسب مکان سرزمینی که تصرف می کنند، می توانند در وضعیتی قرار بگیرند که دولت اسلامی شان را در آسیای مرکزی یا در پاکستان گسترش دهند. با احتساب این سناریو، یک شانس (با احتمال کم) وجود دارد که طالبان مناطق دیگری را به ابتکار خودشان تصرف کنند، یا این که با داعش برای تصرف افغانستان متحد شوند پیش از آن که حرکت تروریستی مشترک خودشان را به سوی خارج هدایت کنند (حتا اگر یک شکاف خوشنتراب بین هر دو بتواند پیش از آن به وجود بیاید)، و یا یک گروه تروریستی جدید و کمتر شناخته شده مانند حزب التحریر [18] به جای آنها این کار را انجام دهد.



مناطق زیر سلطه طالبان به رنگ قرمز و زرد مشخص شده است

یک احتمال دیگر برای بی ثباتی فراملی می تواند در افغانستان بروز کند اگر شایعات مناطق مرزی بر اساس خصوصیت‌های قومی در شمال، بین گروه های ترکمن، ازبک و تاجیک به موضوع دعوا بین رهبران هر یک تبدیل شود. گرچه هیچ نشانی برای گمان بردن به چنین موضوعی که رسماً استقرار یافته باشند یا با یک دیگر در رقابت باشند وجود ندارد، اگر این مناطق باید عملاً به تشکیل دولتهائی با ثبات تر از چیزی که هم اکنون هستند بینجامد، منازعات میان اقوام در افغانستان می تواند به تحریک تشنج هائی بین دولتهای پشتیبانشان در آسیای مرکزی بینجامد. در هیچ کجا این احتمال وجود ندارد به جز بین تاجیکستان و ازبکستان با سابقه اختلافات دیرینه که می تواند به شکل پیشبینی پذیری تا مرز افغانستان گسترش یابد تا وقتی که یکی از آنها دست به حرکت قاطعانه بزند، یا توسط میانجیگران یا رؤسای جنگی خود آنها، با همه نتایجی که برای بر پا شدن جنگ منطقه ئی گسترده تر در بر خواهد داشت.

لینک متن اصلی:

<https://lesakerfrancophone.fr/guerres-hybrides-4-dans-le-grand-heartland-ii>

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/9 دسامبر 2019

m_-7751541142740404215_ftnref1

[2] مترجم : روشن است که ایران متنوع تر از این سه مورد نام برده است. ولی نویسنده از بالکنهای ایران در اورآسیا حرف می زند و از جریانهای نام برده که بیش از همه می توانند با طرح های تجاوزکارانه آمریکا همراه شوند. از این دیدگاه عربهای جنوب ایران را فراموش کرده است.

[3] مترجم : در نوشته های کوریبکو غالباً با تفکیک میان میهن دوستی تمدنی و میهن دوستی مدنی روبه رو هستیم. از دیدگاه نظریه پرداختی میهن دوستی عشق به ملت و آنانی ست که فرد از آن خود می داند، همراه است با نوعی افتخار تعلق به یک جامعه یا ملت و ریشه در تمدنی دیرینه دارد. ولی میهن دوستی مدنی به طریق اولی به رفتار در جامعه باز می گردد، فردی که به اصول و قوانین احترام می گذارد، و حرکتی که به شکل روزمره استفاده می کند. ولی در این نوع میهن دوستی احساس ملی و میهن دوستی وجود ندارد.

[4] مترجم : جمعی را بهتر است در اینجا از دیدگاه جمعیت شناسی معنی کنیم. معادل démographique

[5] [Baloutches](#)

[6] [organisations militantes](#)

[7] [fait un retour](#)

[8] مترجم : برای اصطلاح « پیش شرط اجتماعی» در گفتار جنگ ترکیبی مراجعه شود به بخش اول : قانون جنگ ترکیبی. فصل : پیش شرط

[9] [été critiqué](#)

[10] [riche en ressources](#)

[11] [Federally Administered Tribal Areas](#)

[12] [dernières technologies politiques](#)

[13] [Andrew Korybko](#)

[14] [manifestations de grande ampleur](#)

[15] [a déclaré](#)

[16] [différend entre dirigeants talibans](#)

[17] [faiblesses exploitables](#)

[18] [Hizb ut-Tahrir](#)

[Oriental Review](#) Par Andrew Korybko (USA) – Le 4 avril 2016 – Source

درباره آندریوف کوریبکو :

تحلیلگر سیاسی امریکائی مستقر در مسکو، کارشناس امور ستراتیژیک ایالات متحده در افریقا، اورآسیا، راه ابریشم نوین و جنگ ترکیبی^[1] است. او در حال حاضر به عنوان تحلیلگر سیاسی در آژانس سپوتنیک کار می کند و دوره دکتر در انستیتو دولتی مناسبات بین المللی مسکو MGIMO بوده و مونوگرافی « جنگ ترکیبی، رویکرد انطباقی غیر مستقیم برای تغییر رژیم» [Guerras hybrides: l'approche adaptative indirecte pour un changement](#) [de régime](#) (۲۰۱۵) یکی از نوشته های اوست .

[télécharger ici](#) Le livre est disponible en PDF gratuitement et à
